

تأثیرات جهانی شدن بر مقوله حمایت از حقوق محیط زیست

سماء فرخنده نژاد^{۱*}، علیرضا آرش پور^۲، لیلا رئیسی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، ایران
۲. استاد یار حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه اصفهان، ایران
۳. استادیار حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، ایران

دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۸

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۰۳

چکیده

جهانی‌شدن عصری توأم با تضادها است که تغییرات سریع و مشکلات مستمری را برای جامعه بشری و در ابعاد مختلف به همراه داشته است. این امر به معنای رشد وابستگی متقابل میان اقتصادها و جوامع از طریق جهانی‌سازی اطلاعات، فناوری، خدمات، عامل سرمایه و سرمایه‌گذاری است که ظرفیت سنتی دولت‌ها برای کنترل این پدیده را به چالش کشیده است. سرعت زیاد یکپارچگی اقتصادی به شکل‌گیری بازارها و اقتصادهای به هم وابسته جهانی منجر گردیده و مقابله با آثار منفی این امر نیازمند همگام‌سازی سیاست‌های حقوقی در ابعاد مختلف گردیده است. یکی از ابعاد این هماهنگی در زمینه حقوق محیط زیست و به واسطه علایق و منافع مشترک جامعه جهانی در حمایت حقوقی از آن است. لذا هدف از این مقاله بررسی آثار جهانی شدن بر مقوله حقوق محیط زیست با رویکرد حمایتی و همچنین ارائه راهکارهای لازم برای کاهش آثار منفی فرایند جهانی شدن بر محیط زیست، مانند توجه ویژه به توسعه پایدار، حمایت از فناوری‌های دوستداران حقوق محیط زیست، اصلاح الگوی مصرف انرژی و تشویق به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و غیره است.

واژگان کلیدی: حقوق محیط زیست، جهانی شدن، سازوکار جهانی محیط زیست

۱. مقدمه و کلیات

در رابطه با ارائه تعریف جامعی از پدیده جهانی‌شدن میان صاحب‌نظران و اندیشمندان اجماع نظر حاصل نشده و هر دسته از آنان به تناسب برداشتی که از این پدیده دارند و پیش‌زمینه‌های ذهنی و دیدگاه‌های حقوقی و سیاسی که بدان تعلق دارند، تعریف خاصی از این پدیده ارائه داده‌اند. در برخی از این تعاریف، جنبه اقتصادی جهانی‌شدن غلبه دارد و در برخی دیگر ابعاد حقوقی، سیاسی، فرهنگی و یا ارتباطی آن بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد؛ ولی در دنیای امروز جهانی‌شدن به صورت یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی بشر درآمده و اگرچه از سالیان پیش، جریان رو به رشد خود را در زندگی انسان آغاز کرده، ولی به دنبال صنعتی شدن جهان و پس از آن گسترش ارتباطات و فناوری‌های همراه آن، سرعت چشمگیری یافته است. در واقع از زمانی که سرمایه‌داری به‌عنوان یک شکل قابل دوام جامعه انسانی، پا به عرصه جهان گذارده، یعنی از چهار یا پنج سده پیش تاکنون، جهانی‌شدن هم جریان داشته است (لری و پی سو پاتی، ۱۳۹۴، ۵).

برای جهانی‌شدن تعاریف مختلفی ارائه شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- رولاند رابرتسون^۱ جهانی‌شدن را مفهومی می‌داند که محصول فشرده شدن جهان و تشدید آگاهی جهانی است و فرایندی است که وابستگی متقابل افزایش

1..Roland Robertson



آگاهی مردم از کیفیت جهان به عنوان یک کلیت یکپارچه در قرن بیست و یکم را به همراه داشته است (Robertson, Globalization, 2012, p.8)

- توماس لارسن^۱، جهانی شدن را نوعی از کوچک شدن دنیا و کوتاه شدن فاصله‌ها می‌داند. پدیده‌ای که مناسب گسترش رفاه است؛ زیرا باعث می‌شود یک نفر در این سوی دنیا با دیگری در آن سوی دنیا تعامل منفعتی دو سویه داشته باشد (Larsson, 2016, p.5).

- بنا به تعریف گیدنز^۲، جهانی شدن، بسط و تقویت روابط جهانی است؛ به نحوی که باعث خواهد شد حوادث داخلی یک منطقه بر وضعیت سایر مناطق اثر داشته باشد و بالعکس (Giddens, 2016. p.10).

در واقع جهانی شدن را می‌توان به مفاهیمی چون بین‌المللی شدن، آزادسازی به مفهوم برداشتن محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت‌ها برای فعالیت بین کشورها با هدف ایجاد اقتصاد جهانی آزاد و بدون مرز، جهان‌گستری به مفهوم انتشار تجارب و هدف‌های گوناگون برای مردم چهارگوشه دنیا، نوگرایی از نوع غربی یا به بیان دیگر غربی کردن به‌ویژه به شکل آمریکایی آن (Americanization) و نیز قلمروزدایی تعبیر کرد. در واقع جهانی شدن پدیده‌ای چندوجهی است؛ به گونه‌ای که به ساختارهای مختلف کنش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، فناوری و حقوق محیط زیست راه پیدا کرده است (لری و پی سو پاتی ۱۳۹۴، ص ۵).

1. Tomas Larsson
2. Anthony Giddens

مراحل تاریخی جهانی شدن، حرکت از بزرگ به کوچک بوده است. در اولین مرحله جهانی شدن، کشورها برای شکوفایی یا حداقل بقای خود باید جهانی فکر می‌کردند. در دومین مرحله جهانی شدن، شرکت‌ها برای شکوفایی یا حداقل برای بقای خود بایست جهانی فکر می‌کردند. در مرحله سوم جهانی شدن، افراد برای شکوفا شدن یا حداقل برای ماندن، باید جهانی فکر کنند. به بیانی دیگر جهانی شدن از مرحله جهانی‌سازی صنعت، به جهانی‌سازی فرد رسیده است (Northrup, 2015, p.2)

یکی از حوزه‌های مهم و تأثیرپذیر در فرایند جهانی شدن، حوزه حقوق محیط زیست است. حقوق محیط زیست مجموعه قواعدی است که در ارتباط با حفظ محیط زیست و روابط انسان و محیط اطراف آن است. همچنین به‌عنوان سلسله‌ای از قواعد عرفی و قراردادی بین‌المللی از جدیدترین و گسترده‌ترین شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی است که جهت تنظیم روابط تابعان حقوق بین‌الملل در زمینه حفاظت از محیط زیست ایجاد شده است (آرش پور، ۱۳۹۲، ص ۶).

۲. بیان مسئله

جهانی‌شدن با تأثیراتی مثبت و منفی بر حقوق محیط زیست همراه است و می‌تواند مشکلات محیط زیست را تشدید کرده، ابزارهای جدیدی نیز برای برخورد با آن‌ها ایجاد کند. انتخاب‌های محیط زیستی می‌توانند مسیر جهانی‌شدن را شکل دهند؛ زیرا گزینه‌های نظارت ملی می‌توانند به‌عنوان موانعی بر سر راه تجارت آزاد عمل کرده یا همگرایی به سوی استانداردهای عالی بین‌المللی را ایجاد



کنند. دامنه اختلافات جاری «تجارت و محیط زیست» در سازمان تجارت جهانی^۱ (بر سر هورمون‌های گاوی، کنترل آزبست، مواد غذایی اصلاح ژنتیکی شده، صید میگو که به کشته شدن لاکپشت‌های در معرض خطر می‌انجامد و ...) نمود این تنش است. بنابراین، چالش اصلی این است که ترکیب مناسبی از رقابت و همکاری، نیروهای بازار و کنش جمعی، رفاه اقتصادی و حفاظت محیط زیست را ایجاد کنیم (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۹، ص ۴۴-۳۲).

بحث اصلی، این است که افزایش حداکثری پتانسیل جهانی شدن در جهان مستلزم اصلاح اساسی ساختارهای نظارت جهان و معماری بین‌المللی در راستای همکاری‌های محیط زیست است. حساس‌تر ساختن سازمان‌های مالی و تجاری چندجانبه نسبت به حقوق محیط زیست ضروری است، ولی کافی نخواهد بود و باید معماری نظارت جهانی محیط زیست نیز به سرعت اصلاح گردد. در این راستا، ایجاد یک سازوکار جهانی محیط زیست برای آشکارسازی خطرهای محیط زیست در مقیاس جهانی، تسهیل چانه‌زنی و مذاکره، حمایت از مدیریت مناسب مشترکات جهانی و توسعه شیوه‌های بهینه و فناوری‌های نوین ضروری است (لری و پی سو پاتی، ۱۳۹۴، ص ۱۵).

۳. تأثیرات جهانی شدن بر حقوق محیط زیست

جهانی شدن نمود مجموعه‌ای از تأثیرات مثبت و منفی بر حقوق محیط زیست است و با فرصت‌های جدیدی برای همکاری همراه است؛ ولی به شکل‌گیری مسائل و

1. World Trade Organization

تنش‌های تازه هم می‌انجامد. برای مثال، تجارت آزاد به رشد اقتصادی که خود به افزایش آلودگی‌هایی چون دفع فرامرزی پسماندها و مصرف ناپایدار منابع طبیعی می‌انجامد، همراه می‌شود. به همین ترتیب، یکپارچگی اقتصادی به تقویت فشارهای رقابتی فرامرزی انجامیده، از طریق کاهش قیمت‌ها، بهبود خدمات و افزایش گزینه‌ها برای انتخاب، به مشتریان کمک می‌کند. اما چنین فشارهایی، توان دولت‌ها برای کنترل را محدود کرده، ضرورت هماهنگی سیاست‌های داخلی بین دولت‌ها و همکاری برای مدیریت مشترکات جهانی را به همراه می‌آورد. در صورت ناکافی بودن ساختارهای کنترلی و بدون نظارت مؤثر بین‌المللی، جهانی‌شدن، آسیب‌های محیط زیستی را تشدید می‌کند (Hamdi, 2015, p.9).

۳-۱. کاهش حداکثری تأثیرات منفی جهانی‌شدن بر حقوق محیط زیست

براساس یک نظریه اقتصادی، بازار آزاد می‌تواند سطح بهینه و توأم با رفاهی از کاربرد منابع، تولید، مصرف و حفاظت محیط زیست را در صورت جبران قیمت‌های منابع، کالا و خدمات، تمام هزینه‌ها و مزایای اجتماعی مصرفشان به وجود آورد. با وجود این، زمانی که هزینه‌های خصوصی مبنای تصمیمات بازار از هزینه‌های اجتماعی فاصله می‌گیرند، شکست بازار رخ داده است و این مورد به ناکارآمدی و سطوح نامطلوب مصرف منابع و آلودگی می‌انجامد. تشدید فشارهای تجارت بین‌الملل و رقابت‌پذیری ناشی از جهانی‌شدن ممکن است با تأثیرات مخربی بر کیفیت محیط زیست همراه گردد؛ زیرا شکست‌های بازار، مشخصه قلمرو محیط زیست هستند. بسیاری از منابع مهم نظیر آب، الوار، نفت، ماهی،



زغال سنگ و ... کمتر از بهای واقعی به فروش می‌رسند. امکانات ناشی از اکوسیستم نظیر جلوگیری از سیل، حفظ آب، تجزیه کربن و تأمین اکسیژن غالباً بهایی ندارند. از آنجا که به منابع کمتر بها داده شده و یا بدون بها بیش از حد استفاده می‌شوند، عاملان اقتصادی می‌توانند تمام یا بخشی از هزینه‌های محیط زیست را که خود تولید کرده‌اند به سایرین منتقل و به این وسیله مشکلات محیط زیست را تشدید کنند (Newell, Roberts, 2016, p.270).

یکی دیگر از مسائل مرتبط و شایان توجه آن است که تجارت آزادتر به شکل‌گیری فشارهای رقابتی می‌انجامد که استانداردهای محیط زیست را تنزل می‌دهند. مسابقه نظارت ممکن است در زمانی که کشورها استانداردهای محیط زیستی خود را برای جلوگیری از افزایش بار مسئولیت صنایع در قبال هزینه‌های کنترل آلودگی بیش‌تر از رقبای عاملشان در مناطق با استانداردهای پایین‌تر تنزل می‌دهند، رخ دهد. در حالی که شواهد چندانی از تنزل استانداردها وجود ندارد، مسئله اصلی رقابت تا انتها نیست، بلکه مسئله این است که یکپارچگی اقتصاد به شکل‌گیری دینامیک کنترلی که طی آن، استانداردها به صورت استراتژیک و با کنترل مسئولیت‌ها در قبال کنترل آلودگی در کشورهای رقیب تنظیم می‌شوند، می‌انجامد. نتیجه حاصل ممکن است «اصطکاک سیاسی» باشد که حداقل در برخی از کشورها به استانداردهای مادون بهینه می‌انجامد. این تأثیرات اگر چه در ظاهر با قوانین محیط زیست همراهی و همسویی دارند، ولی عملاً باعث تضعیف این قوانین (محیط زیست) می‌شوند (Jinnah, Kennedy, 2011, p.12).

تنوع و گوناگونی شرایط، از جذابیت استانداردهای یکپارچه در مقایسه با استانداردهای تنظیم شده براساس شرایط ناهمگون موجود می‌کاهد. البته این امر همواره صادق نیست. استانداردهای واگرا در کشورهای مختلف ممکن است هزینه‌های مبادله‌ای را بر کالاهای معامله شده تحمیل کنند که از طریق ایجاد امکان حفظ الزامات مشخص برای هر کشور، از سودهای حاصل پیشی می‌گیرند. هماهنگ‌سازی رو به بالا هم ممکن است رخ دهد؛ ولی این منطق تنها در مورد استانداردهای محصول اعمال می‌شود. استانداردهای مرتبط با فرایندها یا روش‌های تولید، موضوع فشارهای بازار یکسانی نیستند. با وجود این، نحوه تولید محصولات حائز اهمیت است. از طرف دیگر تأثیرات خارجی مرتبط با تولید را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. برای مثال، نیمه‌های تولید شده با استفاده از کلروفلوروکربنها باعث از بین رفتن لایه ازن می‌شوند. زمانی که توافقات بین‌المللی محیط زیست مانند پروتکل حفاظت از لایه ازن مونتreal موجود هستند، مقررات تجاری را باید در راستای اجرای استانداردهای مورد توافق تفسیر کرد (Trade and Environment Review, 2016, p.23).

۲-۳. افزایش حداکثری تأثیرات مثبت جهانی شدن بر حقوق محیط زیست

رشد و تجارت گسترده اقتصادی را می‌توان در قالب چهار دسته جای داد. تأثیرات مقیاس به رشد آلودگی و اتمام منابع طبیعی به دلیل فعالیت اقتصادی زیاد و مصرف بیشتر اشاره دارد. تأثیرات تکنیک از گرایش به فرایندهای تولید پاک‌تر به موازات رشد ثروت شکل گرفته و تجارت، امکان دسترسی به فناوری‌های بهتر



و بهترین شیوه‌های محیط زیست را افزایش می‌دهد. تأثیرات ثروت و درآمد زمانی رخ می‌دهند که توان مالی بیش‌تر با سرمایه‌گذاری منابع بیش‌تر در راستای حفاظت از محیط زیست همراه می‌شود و تقاضا برای توجه بیش‌تر به کیفیت محیط زیست را به دنبال دارد. تأثیرات ترکیب به موازات تحول مبنای اقتصادی به سمت اقتصاد خدمت‌محور و بر مبنای فناوری پیشرفته توأم با تغییر ترجیحات به سوی کالاهای پاک‌تر شکل می‌گیرند. تأثیر محیط زیست ناشی از رشد اقتصادی به نتیجه این چهار اثر بستگی دارد. در صورتی که تکنیک، درآمد و تأثیرات ترکیب بر تأثیرات منفی فعالیت بیش‌تر پیشی گیرند، تأثیر کلی مثبت خواهد بود. (Jobert, 2015, p.23) Karanfil, Tykhoneko, 2015, p.23) برای مثال، به نظر می‌رسد که تجارت آزاد، میزان دی اکسید سولفور را کاهش می‌دهد. با وجود این، به نظر می‌رسد که فعالیت اقتصادی و تجاری گسترده می‌تواند شرایط محیط زیست را در سایر موارد وخیم‌تر سازد. برای مثال، صدمات محیط زیست منطقه‌ای و جهانی همبستگی مثبتی با افزایش درآمد دارند. زمانی که آلودگی و صدمات را می‌توان به کشورهای دیگر منتقل کرد، انگیزه چندانی برای پرداخت هزینه‌های حمایت وجود ندارد؛ چون بخش اعظم سود به شهروندان ممالک دیگر تخصیص می‌یابد. (Dalin and Rodriguez Iturbe, 2016, p.43)

یکپارچگی اقتصادی با تأثیرات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تری همراه است. افزایش وابستگی‌ها اغلب به ایجاد حس جمعی که مبنای ارزش‌های مشترک را تشکیل می‌دهد و به شهروندان مبنایی جهت درخواست رعایت استانداردهایی نظیر تعهد نسبت به مباشرت محیط زیست از طرفین تجارتشان را می‌دهد،

می‌بخشد. به موازات گسترده و عمیق‌تر شدن یکپارچگی اقتصادی، گستره نیازهایی که شهروندان معتقدند باید در مجموعه استانداردهای اساسی منعکس شوند، افزایش می‌یابد. جریان یکپارچگی اقتصادی و سیاسی موازی همواره سهل و هموار نیست. با این حال، در صورتی که کشورها بخواهند روابط اقتصادی خود را تعمیق کنند، ایجاد حس جمعی ضرورت می‌یابد. چنین دینامیکی با تنش همراه است؛ چون برخی از کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه انتظار دارند طی تعیین استانداردهای محیط زیستی خود، استقلال ملی کاملی کسب کنند. ولی این ایده که سیاست محیط زیست را می‌توان در خلأ سیاسی داشت و از فشارهای خارجی مصون ماند، لزوم یکپارچگی اقتصادی را به‌درستی منعکس نمی‌کند. همزمان کشورهای توسعه‌یافته‌ای که معتقدند ترجیحات اخلاقی‌شان باید بی‌چون و چرا پذیرفته شوند با عکس‌العمل‌های سیاسی جدی مواجه می‌شوند. در مجموع، بدون وجود یک مبنای سیاسی استوار شامل توافق بر سر نحوه برخورد با چالش‌های مشترک محیط زیست، انگیزه‌ای برای یکپارچگی اقتصادی وجود نخواهد داشت (Bernauer & Nguyen, 2015, p.12).

۴. نهادهای نظارتی حقوق محیط زیست

در فقدان سیستم کارآمد مدیریت جهانی محیط زیست و برای برخورد با مسائل حقوق محیط زیست، مسئولیت یکپارچه‌سازی این دو حوزه سیاسی و حقوقی بر عهده سازمان تجارت جهانی است. اگرچه این سازمان کمیسیونی در رابطه با محیط زیست دارد که چندین سال تشکیل جلسه داده، این کمیسیون تحت کنترل



کارشناسان تجاری است و درک چندانی از سیاست محیط زیست ندارد و در این زمینه تلاشی نکرده است. ناامیدی از وضعیت موجود بر انجمن‌های محیط زیست سایه انداخته است و هر دو طرف معتقدند که قوانین تجاری نباید فرار از تعهدات جهانی محیط زیست را موجب شوند، ولی چگونگی اجرای این اصل هنوز روشن نیست (Fakner & Jaspers, 2012, p.18).

طی دهه گذشته، گروه‌های محیط زیست بیشتر به اصلاح بانک جهانی و سایر نهادهای اقتصادی چندجانبه شامل سازمان تجارت جهانی پرداخته‌اند. رهبران جامعه تجاری به این فشار واکنش نشان داده‌اند؛ ولی در عین حال خاطرنشان کرده‌اند که سازمان تجارت جهانی توان برخورد مؤثر با مسائل محیط زیست را ندارد و کارایی و مشروعیت آن در زمانی که سازمان ناچار است تصمیماتی ورای رسالت و تخصص تجاری خود اتخاذ کند، کاهش می‌یابد. از این رو، فشار برای ایجاد ساختار موازی نظارت بر محیط زیست بیش از پیش توجهات را به خود معطوف داشته است. مدیر کل اسبق سازمان تجارت جهانی و نیز مدیر کل فعلی آن، روبرتو آزودو^۱ بر لزوم ایجاد یک سازمان جهانی محیط زیست برای کمک به تمرکز و هماهنگ‌سازی اقدامات جهانی محیط زیست که فشارها بر این سازمان را کاهش می‌دهند، تأکید کرده‌اند. طی جلسات جهانی توسعه پایدار، مقامات سیاسی بسیاری از کشورها خواستار تشکیل یک سازمان جهانی محیط زیست که توازن بیشتری به سیستم چندجانبه اقتصادمحور می‌دهد، شدند. در عین حال هر روز بیش از گذشته روشن می‌شود که اصلاح موفق نظام تجاری و

1. Roberto Azevedo

مالی در پشتیبانی از فرایند جهانی‌شدن که برای همگان مؤثر است باید با اصلاح اساسی رژیم جهانی محیط زیست همراه شود (WTO Annual Report, 2016, p.10)

۵. منطق کنش جمعی جهانی

ماهیت جهانی‌شدن، برقراری ارتباط چندجانبه است. نیروهایی که افراد و مکان‌ها را در سراسر جهان به یکدیگر پیوند می‌دهند و آن‌ها را از اندازه متوسط به کوچک رسانده‌اند، تأثیر عمیقی نیز بر حقوق محیط زیست دارند. جهانی‌شدن تا حدی یک حقیقت اکولوژیک است. مجموعه‌ای از چالش‌های محیط زیست بر چندین کشور و حتی جهان سایه انداخته‌اند. آب‌های آلوده، شیلات رو به افول، گونه‌های وحشی و تهدید تغییرات اقلیمی، همگی حداقل تا حدی از طریق نیروهای جهانی‌شدن شکل گرفته‌اند. مشخصاً مسئولیت عمده حفاظت از حقوق محیط زیست بر عهده دولت‌ها و جوامع محلی است؛ ولی برخی از مشکلات، جهانی هستند و بدون همکاری‌های بین‌المللی قابل رفع نخواهند بود. مدیریت منابع مشترک مستلزم شرکت و همکاری کشورهای مختلف است. با این حال، انگیزه‌های قوی برای ادامه رفتاری که به لحاظ فردی منطقی و از نظر جمعی کمتر از حد مطلوب است، در رابطه با منابع مشترکی که در نگاه اول ممکن است به‌عنوان دارایی همه و هیچ کس دیده شوند، وجود دارند. برای مثال، منطقی است که یک ماهیگیر تلاش کند سود شخصی خود را از طریق افزایش صید بالا ببرد. با وجود این، این استراتژی در سطح جمعی به بهره‌برداری بیش از حد از منابع و یک تراژدی مشترک می‌انجامد. به این ترتیب، موجودی ماهی تمام شده و تمام



جامعه ماهیگیران بدون مدیریت پایدار شیلات با مشکل مواجه خواهند شد. زمانی که این مشکل به مقیاس جهانی می‌رسد، حادثه شده، در فقدان قوانین و نهادهای شفافیتی که پیروی از این قوانین را تضمین کنند، قابل تعقیب نخواهد بود (Zogu, Nimani, Rezniqui and Zeqiraj, 2014, p.34)

به همین ترتیب، در دنیایی متشکل از چندین حاکم، حوزه‌های قضایی با سیاست‌های مخالف و یا بالادستی به صدمات ناشی از آلودگی که ممکن است به همسایگان‌شان سرایت کند، توجه چندانی نشان نمی‌دهند. بنابراین، کاهش بهینه آلودگی بدون هماهنگی رخ نمی‌دهد. تئوری حاکی از آن است که راه‌حل این بحران سیاسی در اقدام جمعی تحت کنترل مقامی عالی نهفته است. با این همه، در حالی که دولت‌ها نقش اساسی را در بافت کشورهایشان ایفا می‌کنند، وقتی مسائل ماهیتی بین‌المللی یا جهانی دارند، هیچ مقام فراملی برای اعمال مقررات قابل قیاس با مشکل (نظیر وضع مالیات و مقررات) وجود ندارد. تعداد ذینفعان و فعالان بالقوه در زمینه نفع عمومی جهانی بسیار بیشتر است؛ چون تعداد عوامل مؤثر در ایجاد صدمات و دشوارتر ساختن کسب نتیجه مشارکتی نیز زیاد است. توزیع قضایی و زمانی علل و تأثیرات، شناسایی عاملانی را که همکاری نمی‌کنند، دشوارتر می‌سازد. علاوه بر این، در فقدان مقام بین‌المللی، حتی در صورتی که عاملان آسیب هم شناسایی شوند، ابزارهای مجازات کافی وجود ندارند. بنابراین، مشکل، سازمان‌دهی همکاری برای غلبه بر گرایش به نظریه بازی (موازنه باخت-باخت) است. این موقعیت باید به موقعیتی تبدیل شود که طی آن، عاملان به

راه‌حل‌های مشارکتی که منافع مشترک و گسترده‌تری را تضمین می‌کنند، بپردازند
(Ibid, p.38-39)

۶. موانع اصلی یکپارچه‌سازی حقوق محیط زیست

درونی‌سازی تأثیرات خارجی نمود چالش اصلی سیاست حقوق محیط زیست است. دفع فرامرزی پسماندها و آلاینده‌ها از یک کشور به کشور دیگر که به ایجاد تأثیرات بزرگ خارجی می‌انجامد، به‌سختی مدیریت می‌شوند. نیاز به گرد هم آوردن چندین کشور در واکنشی مشترک، خود نمود مشکلی بزرگ‌تر است؛ چون (همانند مشکلات مشترک جهانی) هیچ کشوری انگیزه کنترل بهینه این صدمات را ندارد. در مورد تأثیرات خارجی معمول (صدمات در یک کشور)، دلایل بسیاری برای عدم کنترل آلاینده‌ها و پسماندها و سایر روش‌های آلوده‌کننده و مضر از سوی کشورها وجود دارد؛ ولی آن‌ها حداقل این کار را به بهای از دست رفتن رفاه شهروندان خود انجام می‌دهند. زمانی که صدمات به چندین کشور یا حتی تمام جهان گسترش می‌یابند، احتمال آن‌که دولت عامل این تأثیر تصمیم بگیرد اقدامی انجام ندهد، زیاد است؛ چون محاسبه سود و زیانی که داشته توجیهی برای مداخله ندارد (Report of UNDC, 2016, p.20).

علاوه بر این، پیشنهادهای سنتی مربوط به خط‌مشی (مجموعه‌ای از مالیات‌ها یا یارانه‌ها) را نمی‌توان به راحتی در بافتی با چند حوزه قضایی و ساختار نهادی چندپاره اجرا کرد. مداخله موفقیت‌آمیز مستلزم وجود سازوکاری برای تشویق کنش جمعی است. اقدامات تجاری، گزینه بالقوه‌ای برای این بخش هستند. در عین حال، تحریم‌های تجاری کامل نیستند و برای اعمال‌کنندگان نیز هزینه‌هایی در



پی دارند. ولی حداقل در برخی از موارد، مجازات‌های تجاری به اجرای تعهدات و غلبه بر مشکل کنش جمعی کمک کرده‌اند. ابزارهای بهتر جهت کنترل نافعان یکه‌تاز عرصه محیط زیست وجود ندارند. همان‌طور که طرفداران حقوق محیط زیست اذعان می‌کنند، ضعف رژیم موجود جهانی محیط زیست را نمی‌توان به‌عنوان مسئله‌ای نامرتب با نحوه برخورد با شکست‌های بازار محیط زیست از طریق تضمین اجرای متقابل دستور جلسات سیاست محیط زیست و آزادسازی تجارت نادیده گرفت (Mullally, Dunphy, 2015, p.8).

نگاه عمیق‌تر به مشکلات حقوق محیط زیست ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که این مسائل به نوعی تحت تأثیر مسائل و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی هستند. این مشکلات که در سطوح ملی نیز مشترکند در سراسر جهان یافت می‌شوند و بنابراین، مورد توجه سیاستگذاران در سراسر جهان هستند. در حقیقت، نیاز ذاتی برای همکاری در مقیاس جهانی وجود ندارد. ولی این مسئله که بسیاری از کشورها با مشکلی مشترک مواجه هستند، منطق دیگری برای همکاری ایجاد می‌کند (احتمال نافع شدن از تسهیم داده‌ها، اطلاعات و تجارب خط‌مشی). غالب اوقات، تحلیل قیاسی به شفاف‌سازی مسائل کمک کرده، نمود «شیوه‌های عمل بهینه» (خط‌مشی‌ها و فناوری‌ها) است که باید در واکنش اعمال شوند. همکاری علمی و فنی مورد نظر ممکن است صرفاً مقیاسی را در زمینه جمع‌آوری، تحلیل داده‌ها و سایر کارکردهای تحقیق به وجود آورد. در عین حال، دانش تسهیم شده در حدی که برخی از کشورها فاقد توان لازم برای اجرای تحلیل هستند، بسیار ضروری‌تر است. از این رو، ارزشمندترین نقش نهادهای بین‌المللی

در چنین مواردی به شکل مبادله اطلاعات، فناوری و شیوه‌های عمل بهینه است (Dernbach, Mintz, 2011, p.42).

۷. اصلاح سیستم نظارتی بر حقوق محیط زیست

کنش جمعی ضروری و فوری است؛ ولی در عرصه محیط زیست در نتیجه ضعف شدید معماری سازمانی و فرایندهای تصمیم‌گیری رژیم موجود جهانی محیط زیست مغفول مانده است. چندپارگی و شکاف‌های موجود در پوشش مسئله و حتی تناقضات موجود در میان پیمان‌نامه‌های گوناگون، سازمان‌ها و نهادهای مختلف با مسئولیت‌های محیط زیست، کنش مؤثر و نتیجه محور را تضعیف کرده است. نظارت محیط زیستی مانند شهری بی‌قانون، بدون برنامه‌ریزی، ناهماهنگ و غیر بهینه گسترش یافته است. فقدان اطلاعات و شفافیت بسیار محدود به دامنه این مشکل افزوده است. ساختار سازمانی جدید، مبنای داده لازم برای تصمیم‌گیری محیط زیست خوب، توان سنجش ریسک، سود و هزینه و گزینه‌های سیاسی، سازوکاری برای ارتقای سطح بخش خصوصی و منابع دولتی مورد استفاده در سطح بین‌المللی و ابزار بهبود نتایج حاصل از سرمایه‌گذاری‌های محیط زیست و برنامه‌هایی در مقیاس جهانی را فراهم می‌کند (Zelli, Asselt, 2013, p.24).

اساساً تمرکز بر طراحی برنامه محیط زیست ملل متحد، توجه به دامنه بین‌المللی مسائل حوزه آلودگی را به همراه داشته است. این برنامه با رسالتی محدود، بودجه‌ای متوسط و پشتیبانی سیاسی محدود، با بیش از چندین نهاد ملل



متحد شامل کمیسیون توسعه پایدار^۱، برنامه توسعه ملل متحد^۲، سازمان هواشناسی جهانی^۳ و کمیسیون اقیانوس‌شناسی بین‌المللی^۴ در صحنه بین‌المللی محیط زیست در رقابت است. علاوه بر این، دبیرخانه‌های مستقل پیمان‌های متعدد شامل پروتکل مونترال (حفاظت از لایه ازن)^۵، کنوانسیون باسل^۶ (تجارت پسماندهای خطرناک)، کنوانسیون تجارت بین‌الملل گونه‌های در معرض خطر^۷ و کنوانسیون تغییرات اقلیمی^۸، همگی بر سر زمان، توجه و منابع دولتی محدود در رقابت هستند. (O Neill, Vandever, 2017, p.12)

نظام موجود محیط زیست نتوانسته به طور کامل با اولویت‌های کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه برخورد کند. ازدیاد توافقات چندجانبه محیط زیست، بار مسئولیت تعدادی از کشورها برای ایفای تعهدات و مسئولیت‌های جمعی‌شان را افزایش داده است. بار مسئولیت کشورهای در حال توسعه بسیار سنگین شده است؛ چون کمک مالی، فناوری یا خط‌مشی اندکی دریافت کرده‌اند. کافی نبودن و ضعف سازوکارهای مالی موجود در تسهیلات جهانی محیط زیست، برنامه توسعه ملل متحد، بانک جهانی و صندوق‌های مجزا نظیر سازوکار مالی پروتکل مونترال، درک فقدان جدیت شمال در مورد مشکلات جنوب را تقویت

-
1. Commission on Sustainable Development (CSD)
 2. The United Nations Development Programme (UNDP)
 3. The World Meteorological Organization (WMO)
 4. Intergovernmental Oceanographic Commission (IOC)
 5. Protection of the Ozone Layer (Montreal Protocol)
 6. The Basel Convention
 7. The Convention on International Trade in Endangered Species (CITES)
 8. The Convention on Climate Change

کرده است. علاوه بر این، اصول اساسی نظارت خوب نظیر نمایندگی منصفانه، شفافیت و پاسخگویی هنوز هم در بسیاری از سازمان‌های دارای مسئولیت‌های محیط زیستی، مسئله و مشکل هستند. این کاستی‌های رویه‌ای، مشروعیت کلی نظام را زیر سؤال می‌برند (Howes, Wortley, Potts, Dedekorkut-Howes, Serrao-Neumann, Davidson, Smith and Nunn, 2017, p.23)

دستور جلسه‌ای چند سطحی شامل اطلاعات و اصلاح برنامه محیط زیست سازمان ملل و سایر عناصر نظام موجود جهانی محیط زیست را می‌توان برای برخورد با بسیاری از مسائل طراحی کرد؛ ولی فهرست مشکلات بسیار طولانی است و بسته مرتبط با رژیم جاری در برخی از اوقات چنان سنگین است که بازسازی اساسی به جای اصلاح افزایشی، گزینه بهتری است. در سایه بسیاری از مشکلات و سابقه ضعیف رژیم موجود، هرگونه فرض به نفع کار با وضعیت موجود را نمی‌توان حفظ کرد. در ضمن تحلیل فوق، طرح سازمانی جدیدی را در پی خواهد داشت و باعث ایجاد نقطه آغازین متفاوتی خواهد شد. (Ibid)

۸. سازوکار جهانی محیط زیست^۱

یکی از واکنش‌های مؤثر نسبت به عناصر مشکلات ملی و الزامات ویژه مسائل فرامرزی، مستلزم وجود ساختاری برای ارتقای همکاری در سطح جهانی است. با این‌که بسیاری از طرح‌های سازمانی ممکن هستند، بر این باوریم که بهترین استراتژی بر سازوکار جدید جهانی محیط زیست متمرکز است. به لحاظ مفهومی،

1. Global Environmental Mechanism (GEM)



سازوکار جهانی محیط زیست نیاز غیر قابل انکار به سازوکاری جهت ارتقای کنش جمعی در مقیاس بین‌المللی را تأمین می‌کند. عملاً این سازوکار شانس ایجاد چارچوبی منسجم و یکپارچه برای سیاستگذاری و مدیریت محیط زیست را جهت برخورد با چالش‌های یک اکوسیستم جهانی مشترک فراهم می‌آورد (Chandra Tewari, 2014, p.8)

سه قابلیت هسته‌ای ضروری هستند: (۱) تأمین اطلاعات کافی که به تبیین مشکلات موردنظر، کشف ترجیحات و تغییر علایق کمک می‌کند؛ (۲) ایجاد فشار سیاسی برای مذاکره و چانه‌زنی محیط زیست؛ (۳) افزایش مستمر ظرفیت برخورد با مسائل مورد نظر. در عین حال، جمع‌آوری داده، کنترل، ارزیابی علمی و تحلیل داده‌ها کانون عرصه اطلاعات هستند. یک مجمع برای ارتباطات و چانه‌زنی در مورد مسائل، سازوکاری برای قانونگذاری و چارچوبی برای حل اختلاف، جهت کسب اطمینان از راه‌حل‌های مشارکتی ضروری هستند. توسعه ظرفیت تکنیکی، مالی، انسانی و سازمانی برای برخورد با چالش‌های گوناگون، مسئله مهم دیگری است که مستلزم وجود سازوکارهای سازمانی مؤثر در سطح جهانی است. هم‌اکنون سازمان‌ها و نهادهای مختلف بسیاری از ظرفیت‌های شناسایی شده را انجام می‌دهند و سایرین از این عرصه غایب هستند. برای مثال، مجموعه‌ای از سازمان‌های بین‌المللی، مراکز تحقیقات علمی، دولت‌ها و دبیرخانه‌های کنوانسیون محیط زیست در حال جمع‌آوری داده، ارزیابی علمی، تأمین مالی و انتقال فناوری با هماهنگی ضعیف در کشورهای مختلف هستند. کنترل تبعیت و گزارش‌دهی، فاقد نظام‌یافتگی، پراکنده و بسیار غیررسمی هستند. ابزارهای شرکت عاملان

غیردولتی مستلزم نهادسازی همسو با فرایندهای قانونگذاری است. مجمعی برای ارتباط، چانه‌زنی، ارزیابی و سازوکار حل اختلاف وجود ندارد. علاوه بر این، فضای سیاسی قوی‌تر برای محیط زیست ضروری است و امکان حفظ و ادامه اقدامات محیط زیست در نظام وسیع‌تر نظارت جهانی را فراهم کرده، تضمین می‌کند که دغدغه‌های محیط زیست در سیاست‌های توسعه پایدار ادغام شده‌اند (Ivanova, 2010, p.33))

با ارتقای تخصص و ظرفیت‌های سازمان‌های موجود و ایجاد سازوکارهای جدید در نقاطی که کارکردها اجرا نمی‌شوند، عناصر سازمانی زیر به‌عنوان محور رژیم جهانی محیط زیست احیا شده دیده می‌شوند:

- جمع‌آوری داده؛ کسب اطمینان از موجود بودن داده‌های قابل اطمینان با کیفیت و سازگاری بالا، توسعه شاخص‌ها، معیارها و نشر گزارش‌های وضعیت محیط زیست جهانی؛

- کنترل و گزارش‌دهی در مورد تبعیت از الزامات، تأمین مجموعه‌ای از اطلاعات مربوط به تبعیت از توافقات و هنجارهای تثبیت شده و گزارش‌دهی شفاف و مستمر؛

- ارزیابی علمی و شبکه‌بندی دانش، معطوف ساختن تحقیق پایه به فرایندها و گرایش‌های محیط زیست، پیش‌بینی بلندمدت و هشدار زودهنگام در مورد خطرهای محیط زیست؛

- چانه‌زنی و ارزیابی تسهیل‌کننده درونی‌سازی تأثیرات خارجی از طریق تبادل تعهد نسبت به مسائل مختلف محیط زیست (پوشش جنگلی، تنوع زیستی،



حفاظت، مدیریت گونه‌ها و ... در مقابل وجه نقد یا تغییر سیاست (دسترسی به بازار)؛

- قانونگذاری برای مشترکات جهانی؛ برقراری خطوط راهنمای سیاسی و هنجارهای بین‌المللی مربوط به حفاظت از منابع طبیعی مشترک نظیر جو و اقیانوس‌ها؛

- مشارکت جامعه مدنی، ایجاد مجمع و سازمان غیردولتی برای مشارکت مستقیم در شناسایی مشکل و تحلیل سیاست؛

- تأمین مالی مسائل جهانی، بسیج منابع دولتی و خصوصی برای تأمین مساعدت مالی ساخت‌دار جهت توسعه کشورها؛

- انتقال فناوری؛ تشویق استفاده از بهترین گزینه‌های مناسب شرایط ملی و تشویق راه‌حل‌های نوآورانه محلی؛

- حل اختلاف با فرایندهای مورد توافق و مقرراتی جهت حل اختلاف مناسب بین توافقات محیط زیست و سایر رژیم‌های نظارت جهانی؛

- استراتژی‌های اجرا؛ کسب اطمینان از هماهنگی با نهادهای اصلی مسئول اجرا (نظیر دولت‌های ملی و محلی، برنامه توسعه ملل متحد، بانک جهانی، سازمان‌های تجاری و سازمان‌های جامعه مدنی) و تأمین یک پایگاه داده متشکل از شیوه‌های عمل بهینه. (Ivanka and larry, 2016, p.17-19)

این سازوکارها بسیاری از شکاف‌ها را پر می‌کنند و در صورتی که سیاست جهانی اقتضا کند، سازوکار جدید جهانی محیط زیست شروع شده، طی زمان رشد می‌کند و به تدریج مسئولیت‌های جدید یافته، رسالتش را گسترش می‌دهد؛

چون ارزشش نشان داده می‌شود و قدرت بیشتری کسب می‌کند. از آن جا که فعالیت‌های علمی نمود بعدی از عرصه سیاسی هستند که در آن، اقتصادهای مقیاس و سایر منافع مربوط به راندمان می‌توانند در اثر همکاری بیش‌تر به سرعت حاصل شوند، خانه تهاتر اطلاعات جهانی نمود بهترین گام نخست به سوی برقراری یک رژیم جدید جهانی محیط زیست است. هماهنگی سازوکارهای سازمانی موجود برای جمع‌آوری داده، ارزیابی علمی و تحلیل می‌تواند پشتیبانی گسترده‌ای را جذب کند. خانه تهاتر فناوری جهانی متمرکز بر تسهیم اطلاعات و انتشار شیوه‌های عمل بهینه هم به‌عنوان برنامه‌ای با جذابیت گسترده قابل استفاده است. سازوکار جهانی محیط زیست با قابلیت‌هایی که در این زمینه دارد برای شمول کنترل، قانونگذاری و توسعه یک مجمع چانه‌زنی جهانی نیز قابل بسط است. در نتیجه، سازوکار جهانی حقوق محیط زیست نیازمند یک سازوکار حل اختلاف است (Carneiro, 2014, p.25).

۹. تسهیل فرایند حمایتی محیط زیست

داده‌ها و اطلاعات بهتر محیط زیست کار شناسایی مسائل، تشخیص گرایش‌ها، ارزیابی خطر، برقراری گزینه‌های سیاسی، آزمایش راه‌حل‌ها و توسعه فناوری موردنظر را ساده‌تر می‌سازد. این خانه تهاتر جهانی که داده‌های مطمئن، مرتبط و به‌موقع را در مورد مسائل و گرایش‌های محیط زیست به دست می‌دهد، توان تغییر فرایند سیاستگذاری را در مقیاسی جهانی دارد. اطلاعات در مورد تهدیدهای واقعی بر مبنای داده‌ها، علم و تحلیل بهتر می‌تواند فرضیات، ترجیحات و



سیاست‌ها را تغییر دهد. برای مثال در مورد باران اسیدی اروپا، اطلاعات در مورد خسارت داخلی اسیدی شدن امکان طرح سیاست‌های بهتر و عامل کاهش نشر گازهای آلاینده در چندین کشور را به همراه داشت. به بیان ساده‌تر، داده‌ها می‌توانند نامرئی را مرئی، ناملموس را ملموس و پیچیده را قابل مدیریت سازند (Gilmour, 2016, p.56).

اطلاعات مربوط به نحوه کاهش آلودگی و بهبود بازدهی منابع در سایر کشورها امکان رقابت و نوآوری را در پی دارد. تحلیل قیاسی عملکرد در کشورها (مشابه طرح ملی مناسب) شفافیت بیشتری را در پی داشته، رهبران سیاسی را منتفع می‌کند و نقایص و کاستی‌ها را نمایان می‌سازد. همان‌طور که اطلاع از منافع زیاد رقیب در بازار به مدیران انگیزه تلاش بیشتر را می‌دهد، شواهد مربوط به عملکرد بهتر سایر کشورها در حوزه محیط زیست نیز می‌تواند تمرکز بر فرصت بهبود عملکرد را افزایش دهد. توجه ناشی از شاخص پایداری محیط زیست مجمع جهانی اقتصاد نشان‌دهنده این پتانسیل است (Furtula, Jackson, Gwenn Farrell, Barrett and Hiot, 2013, p.9).

واکنش‌های موفق به مشکلات جهانی محیط زیست به توافقات مربوط به تسهیم مسئولیت مالی بستگی دارند. کشورهای در حال توسعه نیازمند پشتیبانی، یارانه و سایر مشوق‌ها جهت پیشبرد درونی‌سازی تأثیرات خارجی خود هستند. اغلب اوقات، از نسبت دادن مسئله پرهیز شده و صرفاً فقدان منابع مالی برای کشورهای ضعیف‌تر مدنظر قرار گرفته است. لذا در این ارتباط وجود مجمعی که

بتواند توافقات بین‌المللی در مورد محیط زیست را تسهیل کند، فوق‌العاده ارزشمند و راهگشا است (Ayangbenro and Babalola, 2017, p.10).

مجمع چانه‌زنی جهانی به‌عنوان عامل تسریع‌کننده‌ای بین کشورها و سازمان‌های خصوصی در حال مذاکره بر سر مدیریت منابع عمل می‌کند. از این رو، دولت در یک کشور ممکن است برای حفظ منبعی طبیعی در کشوری دیگر مذاکرات زیادی انجام دهد (مانند بخشی از یک جنگل بارانی، یک گونه و ...) و در عوض پول پرداخت کند یا از طریق سیاست منتفع گردد. برای نمونه، برزیل ممکن است تعهد کند محدودیتی را در مورد توسعه و پیشرفت در جنگل‌های آمازون رعایت کند و در عوض دسترسی تضمین‌شده‌ای به بازارهای آب‌پرتقال اروپا و ایالات متحده آمریکا به دست آورد (Bernstein and W.Pauly, 2015, p.186).

۱۰. نتیجه‌گیری

تخریب حقوق محیط زیست امروزه یک موضوع جهانی است که از هر چهار منظر حقوقی، اکولوژیک، سیاسی و اقتصادی شایان توجه است. در این بین معضلات جهانی محیط زیست نیازمند راه‌حل‌های جهانی هستند.

وابستگی‌های اقتصادی و اکولوژیک متقابل مستلزم طرح سیاست‌های هماهنگ ملی و کنش جمعی در سطح بین‌الملل هستند. دنیایی که هر روز بیش از گذشته جهانی می‌شود مستلزم اندیشه‌ای جدید در مورد همکاری جهانی محیط زیست در رابطه با خود و در مورد یکپارچگی اقتصادی بیش‌تر است. ترکیب فوق‌العاده‌ای از مطالبات جهانی و اراده دولت‌ها برای هماهنگ‌سازی کنترل



آلودگی و سیاست‌های مدیریت منابع طبیعی در مقیاسی جهانی و در مورد کشورها و مردم مختلف، دیدگاه‌ها و سنن سیاسی مختلف، سطوح ثروت و توسعه گوناگون، باورها و اولویت‌ها ضروری است. ولی منافع حاصل از این کار فرای حوزه محیط زیست هستند. در واقع، استراتژی‌های هماهنگ کنترل آلودگی و استانداردهای مدیریت منابع طبیعی، مجموعه مهمی از قوانین پایه را جهت تجارت بین‌الملل به دست داده، که به‌عنوان سنگر اصلی در برابر شکست بازار در سیستم اقتصادی بین‌الملل عمل کرده، بازده جهانی شدن و منافع حاصل از آن را افزایش می‌دهد.

در حقیقت زمان آن فرارسیده تا رژیم محیط زیست را در راستای یک معماری جدید، آینده‌نگر و بهینه‌تر که بیشتر و بهتر در خدمت نیازهای محیط زیست، دولتی، عمومی و تجاری خواهد بود، بازمهندسی کنیم. معماری جدید جهانی محیط زیست نیازی به رقابت با سایر اقدامات برای تقویت برنامه‌های مدیریت منابع طبیعی و کنترل آلودگی در سطح ملی ندارد و در واقع باید چنین اقداماتی را تقویت کند. موفقیت در عرصه محیط زیست به ساختار نظارت چندلایه‌ای که حامی اقدامات ملی، محلی و جهانی است، بستگی دارد.

منطق سازوکار جهانی محیط زیست حاکی از آن است که جهانی‌سازی دنیا مستلزم شیوه‌های مدرن و دقیقاً طراحی شده مدیریت است که ضمناً وابستگی‌های متقابل نیز داشته باشند. برای حل مسائل جهانی و تضمین پیشرفت اقتصادی، جامعه جهانی قطعاً از وجود یک صدای واحد (مجمعی شناخته شده برای مقامات ملی) در ارتباط با محیط زیست منتفع خواهد شد.

۱۱. منابع

الف. فارسی

کتاب:

۱. لری، دیوید کنت و پی سو پاتی بالا، کریشنا، آئینده حقوق بین‌الملل محیط زیست در عصر جهانی‌شدن، ترجمه سبحان طیبی و صفیه طیبی، ج ۱، چ ۱، مرکز ملی جهانی‌شدن نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۹۴.
۲. آرش پور علیرضا، مسئولیت بین‌المللی نقش تعهدات زیست محیطی، ج ۱، چ ۱، انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۹۲.
۳. رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، تجارت بین‌الملل و محیط زیست، ج ۱، چ ۱، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.

ب. انگلیسی

Book

4. Esty, Daniel & Ivanova, Maria, *Revitalizing Global Environmental governance: A Function Driven Approach*, Yale University, Yale Center for Environmental law & Policy, 2016.
5. Larsson, Tomas, *the Race to the Top; the Real Story of Globalization*, Cato Institute (New Edition), 2016.
6. Giddens, Anthony, *Anthony Giddens Runaway World- A Summary*, UK, Roulledge (New Edition), 2016.



7. Ivanoav, Maria, *Rethinking the United Nations Environment Programme for the 21 st Century*, Yale University, Yale Center for Environmental law & Policy, 2010.
8. Robertson, Roland, *Globalization: Social Theory & Global Culture*, Sage Publication (New Edition), 2012.
9. Bernstein, Steven Pauly, Louis, *Global Liberalism and Political Order toward a New Grand Compromise?* New York, State University of New York Press (New Edition), 2015.

Article

10. Neill, Kate, Vandever, Stacy, <<*Global Environmental Politics*>>, No.2, Vol.17, 2017.
11. Karats, Abdullah, <<*Environmental Impacts of Globalization and a Solution Proposal* >>, No.2, Vol.6, American International Journal of Contemporary Research (Local Governments Department Nigde, Turkey), 2016.
12. Chandra Tewari, Prakash, <<*Environmental Performance Index (EPI): Tool for Sustainable Globalization*>>, Volume 2, International Journal of Advanced Research & Technology, 2014.
13. Zogu, Nevruz, Nimani, Artan, Rezniqui, Shpetim, Zeqiraj, Valbone, <<*Globalization and Global Threats: Challenges for the 21 st Century Pandemics Management*>>, No.2, Vol.2,

European Journal of Research and Reflection in Management sciences, 2014.

14. Dalin, Carole, Rodriguez – Iturbe, Ignacio, <<*Environmental Impacts of Food Trade Via Resource Use and Green House Gas Emission*>>, No.3, Vol.11, Environmental Research Letters, 2016.
15. Mullally, Gerard, Dunphy, Niall, <<*State of Play Review of Environmental Policy Integration Literature*>>, No.17, Cork College, 2015.
16. Zelli, Fariborz, Van Asselt, Harro, <<*Introduction: The Institutional Fragmentation of Global Environmental Governance: Causes, Consequences and Responses*>>, No.3, Vol.13, Massachusetts Institute of Technology(Global Environmental Politics), 2013.

Report

17. UN Conference on Trade & Development (UNCTAD), *Trade & Environment Review*, 2016.
18. *The Cadmus Group for United Agency, International Development, Global Environmental Management Support Project (GEMS II)*, 2014.
19. Carneiro, Cristiane, *and Dispute Settlement in Trade & Environment Disputes: How Does the WTO Mechanism Perform? The University of Sao Paulo, the Conference on the Political Economy of International Organizations*, 2014.



20. Segun Ayangbenro, Ayansina&Oluranti Babalola, Olubukola, *A New Strategy for Polluted Environments*, Faculty of Agriculture, Science & technology, North – West University, International Journal of Environmental Research and Public Health, 2017.
21. Gilmour, Richard, *Environmental Management*, New Zealand, The University of Auckland (International Office),2016.
22. Furtula, Vesna, Jackson, Charlene, Gwenn Farrell, Erin, Barrett, John, Hiott, Lari, *Resistance in Environmental Samples*, International Journal of Environmental Research, 2013.
23. Annual Report of WTO; *Trade Policy Reviews*, 2016.
24. Northrup, David, *Globalization in Historical Perspective*, Boston College (USA), Department of History, 2015.
25. Hamdi, Fairouz, *the Impact of Globalization in the Developing Countries*, Paris, ICN Business School, 2015.
26. Newell, Peter, Roberts, J.Timmons, *Globalization and the Environment*, Willey – Blackwell, 2016.
27. Jinnah, Sikina & Kennedy,Julia,*A New Era of Trade – Environment Politics: Learning from US leadership and its Consequences Abroad*,USA,The White Head Journal of Diplomacy & International Relations,2011.
28. Jobert, Thomas, Karanfil, Falth, Tykhonenko, Anna, *Trade & Environment: Further Empirical Evidence from*

- Heterogeneous Panels Using Aggregate Data*, Gredeg Working Paper Series, 2015.
29. Bernauer, Thomas, Nguyen, Quynh, *Environmental Concerns and Individual Trade Policy Preferences in Developing Countries*, ETH Zurich Center for Comparative and International Studies, 2015.
30. Fakner, Robert, Jaspers, Nico, *Environmental Protection, International Trade & WTO*, Chapter 13 of the Ashgate Research Companion International Trade Policy, 2012.
31. United Nations Development Programme, *Integrated Planning & Sustainable Development: Challenges and Opportunities*, Synthesis Report, 2016.
32. Dernbach, John, Mintz, Joel, *Environmental Laws and Sustainability: an Introduction*, 2011.
33. Howes, Michael, Wortley, Liana, Potts, Ruth, Dedekorkut-Howes, Aysin, SerraoNeumann, Silvia, Davidson, Julie, Smith, Timothy and Nunn, Patrick, *Environmental Sustainability: A Case of Policy Implementation Failure?*, Sustainability, MDPI, 2017.